

تحلیل تطبیقی سیمای الهی

در احادیث توحیدی امام رضا علیه السلام و تورات

از بُعد مکان و گزاره‌های مکان‌انگار*

- سیدعلی سجادی‌زاده^۱
- سیدعلی دلبری^۲
- محمد میرزایی^۳
- علی‌اکبر حبیبی‌مهر^۴

چکیده

سبک تطبیقی هر چند از پیشینه دراز دامنی بهره‌مند نبوده، ولی در درک درست معارف، بسیار ارزشمند و کارآمد است؛ به‌ویژه اگر واکاوی این شیوه، در عرصه معارف توحیدی دو دین باشد. از این رو تحقیق فراروی کوشید که در گام اول، گزاره‌های سیمای الهی در این بُعد را در احادیث توحیدی امام رضا علیه السلام و ظاهر تورات به روش کتابخانه‌ای گردآوری نماید و در قدم بعدی، تحلیلی از این

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۳.

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (Sajjadizadehmohammad@gmail.com).

۲. دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (Saddelbari@gmail.com).

۳. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (mirzaee6515@gmail.com).

۴. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)

(aliakbarhabibyimehr@gmail.com)

داده‌ها به دست دهد که دو مورد از مهمترین نتایج آن، به روش توصیفی - تحلیلی، عبارتند از: اولاً احادیث توحیدی رضوی علیه السلام و گزاره‌های تورات در حیطه این مسئله، از جامعه آماری بالایی بهره‌مند است که می‌توان به بیش از صد مورد در تورات بر مکان‌دار بودن خداوند و چهل حدیث رضوی علیه السلام، در فرامگانی حضرت حق اشاره کرد. ثانیاً تعالیم تورات در تشبیه خداوند به آفریده‌ها، مکان‌دار بودن خداوند و گزاره‌های مکان‌انگار، با معارف توحیدی امام‌رضا علیه السلام سراسر ناهمگون است؛ از آن‌رو که تورات کنونی، قالب‌ریزی خدایی در دستور کارش قرار گرفته که دست، پا، صورت، کمر، فراز، فرود، پیدایی و غیره دارد که پذیرش آنان، به مکانداری خداوند منجر می‌شود؛ حال آنکه در معارف رضوی علیه السلام، خداوند از این موارد و از اصل تشبیه، می‌زنی است.

واژگان کلیدی: امام‌رضا علیه السلام، احادیث توحیدی رضوی علیه السلام، تورات، گزاره‌های مکان‌انگار.

مقدمه

حوزه مسائل اعتقادی بذاته از بالاترین درجه ارزش برخوردار است به‌ویژه اگر سخن به سیمای الهی کشیده شده و در فضایی تطبیقی بین دو نوع نگاه، پی‌جویی شود؛ از این‌رو، مقاله پیش‌روی به دنبال بررسی تطبیقی یکی از اوصاف جلالی خداوند یعنی فرامگانی حضرت حق در احادیث توحیدی امام‌رضا علیه السلام و آموزه‌های تورات در بُعد مکان و موضوعات ملازم مکان برخاسته است. مسئله‌ای که هیچ پیشینه‌ای نداشته^۱ و ضرورت در انداختن چنین مسئله‌ای در اثر مهیا شدن بسترهای ویژه، فقط برای امام رضا علیه السلام است که در انتها به بروز و ظهور علم عالم آل محمد علیه السلام در ابعاد گونه‌گون اصول عقاید و مخصوصاً توحید گشته و دورانی طلایی در این عرصه را برای شیعیان رقم زده است همان‌گونه که دوره صادقین علیهم السلام، دورانی طلایی در حوزه فقه است (طیبه اشرفی، ۱۳۹۶، ۱۵) که دست به دست دادن عواملی در این مهم، نقش بسزایی داشته،

۱. کارهای زیادی در بررسی تطبیقی در موضوعات مختلف بین قرآن و عهدین یا اسلام و عهدین انجام گرفته (ر.ک: samanpl.ir؛ lib.ir؛ نورمگز، مگ ایران) ولی هیچ‌کس به بررسی تطبیقی نسبت به موضوع مورد سخن در احادیث توحیدی امام‌رضا علیه السلام و آموزه‌های تورات پرداخته است.

عواملی که در دیگر زمان‌ها، برای دیگر ائمه به وجود نیامده است.^۱ گویا با بررسی‌های تطبیقی این معارف مخصوصاً معارف سخنان امام رضا علیه السلام با دیگر ادیان بتوان به دغدغه‌های نظام و مقام معظم رهبری در تولید علوم انسانی اسلامی و در نتیجه تحول علوم انسانی غربی لبیک گفت. (همان)

از وجوه نوآوری این مقاله می‌توان فهرست‌وار به این نکات اشاره کرد: بکر بودن حوزه بررسی تطبیقی روایات توحیدی امام رضا علیه السلام از زوایای گوناگون با آموزه‌های تورات، روشن شدن جلوه‌ای از جلوه‌های لقب مشهور امام رضا علیه السلام یعنی عالم آل محمد صلی الله علیه و آله در اثر این تطبیق و فهمیدن این مهم که برخی از نکات ظریف در مباحث معرفتی و عقیدتی تنها در کلام امام رضا علیه السلام وجود دارد مانند: استفاده از برهان خلف در عدم «ید» داشتن خداوند (صدوق، ۱۴۰۳، ۱۶۸)

الف. مفهوم شناسی

مفهوم واژگانی که در عنوان مقاله به کار رفته روشن است به جز دو واژه «تورات» و «مکان» که باید مقصود از آنها آشکار گردد.

مراد از تورات در این نوشتار، مجموع پنج بخش نخست «کتاب مقدس» عبری یعنی اسفار پیدایش، خروج، لایوان، اعداد و تثنیه است که بخشی از «عهد عتیق» یا «عهد قدیم» را در برگرفته (ر. ک: سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۲، ۲۳) همان اسفار خمسه‌ای که مهمترین و نخستین معنای تورات در فرهنگ یهود به شمار می‌رود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ۳۲۹/۱۶) یادکردنی است در این مقاله به ادله فراوانی ظاهر تورات ملاک بررسی قرار می‌گیرد؛ مانند اینکه به طور عملی عالمان اسلامی (خویی، ۱۴۳۰، ۵۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۳۴/۸؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۹، ۴۴۴/۳؛ سبحانی، بی‌تا، ۹۶/۲؛ همو، بی‌تا، ۴۲/۷؛ شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱۲۱/۱؛ ابن‌شاذان، ۱۳۶۳، ۲۰؛ معرفت، ۱۴۱۰، ۵۹/۳؛ مطهری، ۱۳۹۹، ۴۹۸/۴ و ۳۷۲/۸ و ۵۴۴/۳ و ۱۲۴/۱۶؛ احسان امین، ۱۴۲۱، ۱۷۱ و ۳۴۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ۳۷۳/۶) و بسیاری دیگر بسان اریگن و مانند آن

۱. عواملی مانند: علاقه وافر مامون به فلسفه به دلیل‌های مختلف (ر. ک: زیدان، ۱۴۲۴: ۱۲۱؛ ابن ندیم، بی‌تا: ۳۳۹؛ رفاعی، ۱۳۴۶: ۱/۲۹۵ و ...): باور مامون در این باره که امام باید منصوب الهی باشد (عاملی، ۱۴۰۳: ۱/۳۳۳) و ... (ر. ک: جعفر سیدان، ۱۳۹۲: سراسر)

(شمخی، ۱۳۹۰، ۱۰۰)^۱ به تاویلات اندیشمندان یهودی و مسیحی در گزاره‌های خردستیز وقعی نهاده‌اند.

مقصود از مکان در بین تعاریف گونه‌گون که از آن ارائه گشته (ر.ک: سجادی، ۱۳۷۳، ۱۰۹۵/۳ و ۱۹۰۶) همان معروف‌ترین تعریفی است که مورد قبول ارسطو، فارابی و ابن سینا است که عبارت است از «سطح داخلی جسمی که، مماس با سطح خارجی جسم دیگر باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۱۴۰/۲-۱۴۶ به نقل از: maaref.porsemani.ir)^۲ براساس این تعریف، مکان برای اشیای مادی قابل تصور است که یک شیء ظرفی و دیگری قرار گرفته و دیگر شیء مطروف آن محسوب شود. در اینجا سخن را از امکان تشبیه خداوند به شیئی آغاز می‌کنیم و سپس کلام به بررسی تطبیقی در فرامکانی یا مکانمندی خداوند کشانده می‌شود.

ب. تشبیه الهی

امامیه، با الهام از معارف اهل بیت علیهم‌السلام سعی کرده‌اند اصول دین را براساسی قویم گذارده نه گرفتار تشبیه گشته‌اند (مانند: حشویه، غلات (سبحانی، بی‌تا، ۹۶/۲) و اشاعره (همان، ۹۸/۲-۱۰۵)) و نه در بند تعطیل (مانند معتزله (همان، ۱۰۶/۲)) اسیر شدند. یکی از ائمه‌ای که در برابر این جریان‌ها ایستاده، امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام است؛ برای نمونه در سندی صحیح، داود بن قاسم گوید: شنیدم که امام رضا علیه‌السلام فرمود: «مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ...». «هر کس خداوند را به آفریده‌هایش تشبیه کند؛ مشرک

۱. البته ادله دیگری با فرض پذیرش تاویلات نیز وجود دارد اولاً این تاویلات با یکدیگر تناقض دارند ثانیاً برخی از همین اندیشمندان در تاویلاتشان تصریح کرده‌اند که خداوند جسم است. (تفسیر کشیش فیروز بر سفر پیدایش در www.irankelisa.com به نقل از مهرجردی و شاکر، ۱۳۹۱: ۹) از این درگذریم که اعتقاد به عدم جسمانیت خداوند و تاویل گزاره‌های مادی بودن خداوند در تورات، در اثر کشش و کوشش‌هایی شخصی به نام ابن‌میمون (د ۱۲۰۴م) در میان تمام فرق یهودی به عنوان اصلی مسلم پذیرفته شد (هیلنز، ۱۳۸۷: ۸۴/۱ به نقل از مهرجردی و شاکر، ۱۳۹۱: ۱۴) اصلی که در قبل از آن وجود نداشته است لذا برخی درصدد اثبات این سخن برآمده‌اند که پیدایش تاویل در دین یهود در اثر تاثیرپذیری متکلمان یهودی از اسلام و عالمان اسلامی بوده است. (رضاپور و نصرآبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۱-۱۲۶)

۲. مانند سطح داخلی لیوان، که مماس با سطح خارجی آبی است که در آن ریخته شده است.

است و هر که او را متصف به مکان کند؛ کافر است و هر که به او، آنچه نهی شده، نسبت دهد؛ دروغگوست» سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾ (نحل/۱۰۵) «فقط کسانی (به خدا و پیامبر ﷺ) دروغ می‌بندند؛ که به آیات خدا ایمان ندارند و اینان دروغگوی واقعی‌اند» (صدوق، ۱۳۹۸، ۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۹/۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ۶۹/۱)

امامان علیهم‌السلام همان‌گونه که با اتصاف الهی به اوصاف فراوان، عملاً با مسلک تعطیل مبارزه نموده‌اند؛^۱ با روش تشبیه هم، که منجر به مکان‌داری خداوند می‌شود؛ جانانه پیکار کرده‌اند تا آنجا که به صورت صریح از اهل تشبیه بیزاری جسته و حتی این براءت را مختص به دنیا نموده و فرموده‌اند: «... نحن منه براء في الدنيا والآخرة...». (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۴۳/۱)^۲ و خستو شده‌اند که کمترین درجه دیانت، اذعان به بی‌نظیر و بی‌مانندی خداوند است. (همان، ۱۳۳/۱) همان‌گونه که امام رضا علیه‌السلام، فرمودند: «... وَ لَا دِيَانَةٌ إِلَّا بَعْدَ مَعْرِفَةٍ وَ لَا مَعْرِفَةٌ إِلَّا بِالْإِحْلَاصِ وَ لَا إِحْلَاصَ مَعَ التَّشْبِيهِ وَ لَا نَفَى مَعَ إِثْبَاتِ الصِّفَاتِ لِلتَّشْبِيهِ...». «تا معرفت و شناخت نباشد؛ دیانت کامل نگردد و تا اخلاص نباشد؛ معرفت و شناخت انجام نمی‌گیرد و با اعتقاد به تشبیه، اخلاصی در بین نخواهد بود و با اثبات صفاتی (که برای مخلوقان است) تشبیه نفی نشده است». (همان، ۱۵۳/۱) در واقع کسانی که درصدد اثبات اوصاف مخلوقان، برای خداوند هستند؛ کمترین بهره‌ای از اخلاص و معرفت الهی نبرده‌اند؛ لیک در تورات کنونی برعکس آنچه در ابتدا انتظار می‌رود فقراتی وجود دارد که صراحت در تشبیه خداوند به مخلوقات داشته که این مسئله منجر به مکان‌داری حضرت حق می‌گردد که به جهت تنگنای آوردگاه

۱. برای نمونه ر. ک: صدوق، ۱۳۷۸: ۱۲۱/۲؛ عطاردی، ۱۳۹۱: ۱۲/۱-۲۱ و ۳۱ و ۳۲.

۲. امامان دیگر نیز از این مسلک تبری جسته‌اند؛ برای نمونه شیخ مفید رحمته‌الله آورده که روزی امام سجاد علیه‌السلام صدای گروهی را در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنید که خداوند را به مخلوقاتش تشبیه می‌کردند؛ امام زین العابدین علیه‌السلام از این سخنان بسیار ناراحت گشته و حالت تنفر نسبت به گویندگان این سخنان به او دست داده و فرغ نموده سپس برخاست و به نزد آرامگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تشریف برد و با صدای بلند با خدای خود این‌گونه مناجات نمود که خدایا! «... انا بریء یا الهی من الذین بالتشبهه طلبوک لیس کمثلک شیء الهی و لم یدرکوک... سووک بخلقک فمن تم لم یعرفوک واتخذوا بعض آیاتک رباً فبذلک وصفوک فتعالیت عمّا به المشبهون نعتوک» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۵۳/۲)

مقاله تنها به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود (ر. ک: کتاب مقدس، بی‌تا، سفر خروج، ۱۲۱، اصحاح ۲۴، آیه ۹-۱۱؛ ص ۱۰۳، اصحاح ۱۳، آیه ۱۰ و ۱۴؛ ص ۱۰۴، اصحاح ۱۳، آیه ۱۷؛ ص ۱۰۶، اصحاح ۱۵، آیه ۶؛ سفر پیدایش، ص ۵۱، باب ۳۳، آیه ۱۰؛ ص ۶، اصحاح ۵، آیه ۱ و ۲)

بنابر تعالیمی که در تورات آمده، خداوند موجودی است که دارای دستی ظاهری می‌باشد از این رو زمانی دست خود را دراز نموده و بنی اسرائیل را از میان مصریان نجات داده تا آنها بفهمند که او یَهُوه (خدای آسمان و خدای زمین) است (کتاب مقدس، بی‌تا، سفر خروج، ص ۹۲، اصحاح ۷، آیه ۵) و گاهی برای تنبیه مصریان، ذرات غبار هوا را تبدیل به پشه نموده تا جایی که افسونگران هر چه کوشیدند، این حشرات ریز را از مصر بیرون کنند؛ نتوانسته، به فرعون عرض کردند: «این، انگشت خداست» (همان، سفر خروج، ص ۹۴، اصحاح ۸، آیه ۱۹)

و زمانی دیگر، به موسی علیه السلام می‌فرماید: که به فرعون بگو: «قوم مرا رها کن تا مرا عبادت کنند... زیرا اگر تاکنون دست خود را دراز کرده و تو را و قومت را به وبا مبتلا ساخته بودم هر آینه از زمین هلاک می‌شدی» (همان، اصحاح ۹، آیه ۱۴-۱۶)

همان گونه که بعداً موسی علیه السلام به بنی اسرائیل این نعمت را خاطرنشان کرده، به آنها می‌فرماید: «این روزی را که از مصر از خانه غلامی بیرون آمدید؛ یاد دارید؛ زیرا خداوند شما را با قوت دست از آنجا بیرون آورد». (همان، ص ۱۰۳، اصحاح ۱۳، آیه ۳) (برای دیدن نمونه‌های بیشتر ر. ک: همان، سفر پیدایش، ص ۱۰۳، اصحاح ۱۳، آیه ۱۰ و ۱۴؛ ص ۱۰۴، اصحاح ۱۳، آیه ۱۷؛ ص ۱۰۶، اصحاح ۱۵، آیه ۶)

لیک امام رضا علیه السلام به مبارزه با چنین تفکری برمی‌خیزد و خداوند را منزه می‌داند از اینکه دست ظاهری داشته باشد؛ برای نمونه در روایتی صحیح، هشام بن مشرقی در مورد آیه ﴿بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ﴾ (المائدة/۶۴) به امام رضا علیه السلام عرض می‌کند که آیا خداوند را دو دست است همچنین؟! و با دست خود، به دست‌های آن حضرت اشاره می‌نماید. ایشان در جواب می‌فرمایند: «لَا، لَوْ كَانَ هَكَذَا لَكَانَ مَخْلُوقًا» نه؛ اگر (بر فرض) چنین باشد؛ باید خداوند مخلوق می‌بود. (صدوق، ۱۴۰۳، ۱۶۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ۳۳۰/۱؛ عطاردی، ۱۳۹۱، ۶۲/۱) (برای دیدن نمونه‌های بیشتر ر. ک: صدوق، ۱۳۹۸، ۱۵۳؛ همو، ۱۴۰۳، ۱۶؛ همو، ۱۳۷۸، ۱۸۲/۱-۱۷۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۵۰/۲)

برای تبیین سخن امام باید گفت که یکی از روش‌های اثبات در برهان و منطق، برهان خلف (اثبات غیر مستقیم) است. در این روش، برای اثبات درستی قضیه‌ای ثابت می‌گردد که نقیض آن، نادرست است.

مدّعی امام رضا علیه السلام در این حدیث درستی این گزاره است که «خداوند مانند انسانها دو دست ظاهری ندارد» از این رو که امام در جواب سوال هشام (لله یدان هکذا؟) فرمودند: «لا» یعنی «لایکون له یدان هکذا»

طریق استدلال امام رضا علیه السلام بر نادرست بودن این گزاره که «خداوند مانند انسانها دو دست ظاهری دارد» (یعنی نقیض گزاره بالا) بنا بر یک قضیه شرطی متصل است «لو کان له هکذا لکان مخلوقا» و از آن رو که خداوند مخلوق نیست (نقیض تالی) بنابراین خداوند نمی‌تواند دو دست (جسمانی) مانند دست‌های انسان داشته باشد؛ (نقیض مقدم) بنابراین مدعی امام ثابت می‌شود بر اینکه؛ خداوند مانند انسان دو دست ظاهری ندارد.

در حالیکه در معارف رضوی علیه السلام خداوند با چنین استدلال‌های قوی از دارا بودن اوصاف مخلوقات مانند دست داشتن منزه می‌گردد، لیک در جای جای تورات، تصریح به دست داشتن خداوند شده است که افزون بر اینکه اصل این سخن محکوم است؛ به خاطر لوازمش هم مانند: مکان‌دار بودن موجود مشبّه و مجسم، محکوم بوده و غیر قابل پذیرش است.

ج. سیمای الهی در احادیث توحیدی امام رضا علیه السلام و تورات از بُعد مکان و گزاره‌های مکان‌انگار

بعد از مقایسه اصل شباهت خداوند در تورات و معارف رضوی سزایند است که سیمای الهی در احادیث رضوی و تورات از بُعد مکان و گزاره‌های مکان‌انگار بررسی شود.

۱. اتصاف الهی به مکان

موارد بسیاری در تورات بر مکان‌دار بودن خداوند دلالت دارند که در این مقال به

دو مورد آن اشاره می‌شود. در سفر خروج آمده، که خداوند به موسی علیه السلام فرمود: به فرعون بگو: «خداوند چنین می‌گوید: اسرائیل پسر من و نخست زاده من است و به تو می‌گویم: پسر مرا رها کن تا مرا عبادت کند و اگر از رها کردنش، ابا کنی؛ همانا پسر تو یعنی نخست‌زاده تو را می‌کشم و واقع شد در بین راه که خداوند در منزل به او برخورد، قصد قتل وی نمود». (همان: بی‌تا، سفر خروج، ص ۸۸، اصحاح ۴، آیه ۲۳ و ۲۴) بر بنیان این فقره تورات، خداوند موجودی است که در بین راه و دقیقاً جلو درب سرای فرعون، با او سینه به سینه شده و تصمیم کشتن او را می‌گیرد.

خداوند تورات، مکانی را (که شاید قدس باشد) (همان، ص ۱۲۸، اصحاح ۲۸، آیه ۲۹ و ۳۵) به عنوان سرای خود اختیار نمود (همان، ص ۱۰۷، اصحاح ۱۵، آیه ۱۷) لیک گاهی برای گرفتن قربانی، از آن خارج می‌شود. (همان، ص ۹۹، اصحاح ۱۱، آیه ۴-۷) و زمانی بر روی صخره ایستاده (همان، ص ۱۱۱، اصحاح ۱۷، آیه ۶) و هنگامه‌ای برای تکلم با موسی علیه السلام، در ابری ظلمانی، پیش او شرفیاب می‌شود تا ایمان بنی اسرائیل به پیامبرشان، تثبیت گردد. (همان، ص ۱۱۴، اصحاح ۱۹، آیه ۹) و گاهی به موسی علیه السلام امر کرده «نزد من به کوه بالا بیا و آنجا باش تا لوح‌های سنگی و تورات و احکامی را که نوشته‌ام تا آنها را تعلیم نمایی؛ به تو بدهم». (همان، ص ۱۲۲، اصحاح ۲۴، آیه ۱۲ و ۱۳)^۱

لیک در معارف معصومان علیهم السلام، خداوند، موجودی فرامکانی است؛ در اینجا به دو مورد اشاره می‌شود.

امام رضا علیه السلام در روایتی صحیح و طولانی در ادامه جواب شبهه‌ای که طبق حدیثی ساختگی در میان مردم رواج یافته بود که مؤمنین روز قیامت در منازلشان خداوند را زیارت می‌کنند خطاب به اباصلت هروی می‌فرماید: «... يَا أَبَا الصَّلْتِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُوصَفُ بِمَكَانٍ وَلَا يُدْرَكُ بِالْأَبْصَارِ وَالْأَوْهَامِ...». «ای اباصلت! خداوند

۱. برای دیدن نمونه‌های بیشتر ر. ک: کتاب مقدس، بی‌تا: سفر پیدایش، ص ۲۱، اصحاح ۱۷، آیه ۲۲؛ ص ۳۶، اصحاح ۲۵، آیه ۲۲؛ ص ۴۱، اصحاح ۲۸، آیه ۱۱-۱۷؛ ص ۵۰، اصحاح ۳۲، آیه ۲۴-۳۲؛ ص ۵۴، اصحاح ۳۵، آیه ۱۳ و ۱۴؛ سفر خروج، ص ۸۴، اصحاح ۱، آیه ۲۱؛ ص ۱۰۸، اصحاح ۱۵، آیه ۲۱؛ ص ۱۱۳، اصحاح ۱۹، آیه ۳؛ ص ۱۱۴، اصحاح ۱۹، آیه ۱۸-۲۵؛ ص ۱۱۶، اصحاح ۲۰، آیه ۲۳؛ ص ۱۲۱، اصحاح ۲۴، آیه ۱ و ۲؛ سفر لاویان، ص ۱۵۳، اصحاح ۲، آیه ۸ و غیره.

متصف به مکان نمی‌شود و با دیدگان و اوهام درک نمی‌شود)). (صدوق، ۱۳۷۶، ۴۶۱؛ همو،

۱۳۹۸، ۱۱۸؛ همو، ۱۳۷۸، ۱۱۶/۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ۴۰۹/۲؛ همان، ۴/۴)

یا در روایتی دیگر که از امام رضا علیه السلام درباره آیه شریفه ﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّحْجُوبُونَ﴾ (مطففین/۱۵) «این چنین نیست که آنان می‌پندارند، بلکه اینان در آن روز از پروردگارشان محجوبند» سوال می‌شود؛ به عبارت بالا، جمله‌ای افزوده، می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُوصَفُ بِمَكَانٍ يُحُلُّ فِيهِ فَيُحْجَبُ عَنْهُ فِيهِ عِبَادُهُ...». «خداوند متصف نمی‌شود به مکانی که در آن حلول کند؛ تا (در حجاب قرار گرفته) بندگانش از او محجوب شوند» لیک مراد آیه این است که «آنان، از ثواب پروردگارشان محروم می‌شوند». (صدوق، ۱۳۹۸، ۱۶۲؛ همو، ۱۴۰۳، ۱۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ۴۱۱/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱۸/۳)

بنابراین براساس تورات فعلی، خداوند در همین دنیا (تا چه برسد به عقبی) دارای خانه‌ای است که هر وقت کاری پیش آید از آن بیرون می‌زند ولی معارف رضوی به زیارت رفتن خداوند در سرای دیگر، آن هم برای بهشتیان را بر نمی‌تابد و به مقابله با این تفکر برمی‌خیزد. و برای ریشه کن کردن این شبهه که مگر چه اشکالی دارد که خداوند به جهت رنج‌هایی که بهشتیان در سال‌های متمادی دنیا برای به دست آوردن رضایت او کشیده‌اند چند لحظه به دیدار آنها برود؟! امام رضا علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام به روشنگری درباره این حقیقت می‌پردازند که از بُن، خداوند موجودی فرامکانی است^۱ و هرگز متصف به مکان نمی‌شود نه اینکه خداوند موجودی مکانی است لیک به هر دلیلی به زیارت اهل بهشت نمی‌آید. یا اینکه برخی در روایت دوم براین باور رفته‌اند که عده‌ای در روز قیامت از رؤیت پروردگارشان محجوب می‌شوند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ۶۴/۳۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۳۴۷/۸؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ۱۲۳/۳۰) در اینجا است که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: بنابر گفته شما اگر محجوب شدن پاره‌ای از پروردگارشان، محجوب شدن از رؤیت پروردگار باشد در این صورت این سخن یک لازمه باطل دارد و آن این است که خداوند در مکانی حلول کرده باشد تا عده‌ای از او محجوب شوند و اگر بپذیرید

۱. برای دیدن نمونه‌های بیشتر ر.ک: صدوق، ۱۳۷۸، ۱۳۵/۱؛ همو، ۱۳۹۸، ۱۱۸ و ۱۷۵ و ۳۱۱؛ همو، ۱۳۷۶، ۴۵۹ و ۴۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱۸/۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ۴۱۲/۲؛ مفید، ۱۴۱۳، ۲۰۲/۱ و غیره.

که خداوند در مکانی قرار گرفته؛ به مکان‌دار بودن خداوند خستو شده‌اید در حالیکه خداوند موجودی فرامکان است بنابراین محجوب و محروم شدن عده‌ای از پروردگارشان، نباید از رؤیت پروردگارشان باشد بلکه باید از امر دیگری باشد که مرتبط به خداوند است که آن ثواب و پاداش اوست.

لیک تورات کنونی نه تنها خداوند را مکان‌دار معرفی نموده بلکه آن را به عهده خدا انداخته؛ از این رو که بر این باور رفته که خود خداوند فلان مکان را به عنوان خانه برای خویشتن اتخاذ کرده است (همان، سفر خروج، ص ۱۰۷، اصحاح ۱۵، آیه ۱۷) یا با موسی در مکان‌هایی قرار ملاقات گذارده و به او دستور می‌دهد که او همان جا صبر نماید تا او لوح‌های تورات و... را بیاورد و به او بدهد! (همان، سفر خروج، ص ۱۲۲، اصحاح ۲۴، آیه ۱۲ و ۱۳)

۲. گزاره‌های مکان‌انگار

مراد از گزاره‌های مکان‌انگار، آن گزاره‌هایی هستند که لازمه آنها، مکان‌دار بودن آن موجودی است که این حالت در آنها وجود دارد که عبارتند از: صعود و نزول، حرکت و سکون، قابلیت دیده شدن، مورد احاطه شدن و پیدایی و ناپیدایی.

یک. نزول الهی

بنابر تعلیمات تورات کنونی، خداوند موجودی بوده که نزول و صعود دارد. او گاهی فرو می‌آید تا راستی اخبار واصله را، ارزیابی نماید (کتاب مقدس، بی‌تا، سفر پیدایش، ص ۲۳، اصحاح ۱۸، آیه ۲۱) تا آن جا که حتی این طرح را در برابر دیدگان قوم بنی اسرائیل انجام داده است (همان، سفر خروج، ص ۱۱۴، اصحاح ۱۹، آیه ۱۱) و زمانی بر آتش (همان، آیه ۱۸) و هنگامه‌ای بر ستیغ کوه (همان، آیه ۱۹) و گاهی بر زمین نزول می‌کند (همان، سفر پیدایش، ص ۲۱، اصحاح ۱۸، آیه ۱-۵) و سپس صعود کرده و به جایگاهش تشریف می‌برد. (همان، اصحاح ۱۷، آیه ۲۲)؛ برای نمونه در سفر پیدایش آن‌گاه که سخن به شاخه‌شاخه شدن امت‌ها بعد از طوفان نوح علیه السلام رسیده؛ آمده است «و تمام جهان را یک زبان و یک لغت بود و واقع شد که چون از مشرق کوچ می‌کردند؛ (سرزمین) همواری در زمین شنعار یافتند و در آنجا سکنی گرفتند و به یکدیگر گفتند: بیایید خشت‌ها بسازیم و آنها را

خوب بپزیم و ایشان را آجر به جای سنگ بود و قبر به جای کچ [کچ] و گفتند: بیاید شهری برای خود بنا نهیم و برجی را که سرش به آسمان برسد؛ تا نامی برای خویشتن پیدا کنیم مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم و خداوند نزول کرد تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می کردند؛ ملاحظه نماید و خداوند گفت: همانا قوم یکی است...». (همان، سفر پیدایش، ص ۱۴، اصحاح ۱۱، آیه ۱-۶)

لازمه نزول و صعود موجودی، مکان دار بودن اوست؛ زیرا موجودی که مکان درباره او معنی دارد؛ فرود او از مکانی یا صعود به مکان دیگری برای او نیز معنی پیدا می کند؛ لیک در معارف رضوی علیه السلام، نسبت دادن نزول و صعود به خداوند، ملعون شدن را در پی دارد؛ برای نمونه: در روایتی، ابراهیم بن ابی محمود خراسانی که فردی مورد اعتماد و ثقة است (نجاشی، بی تا، ۲۵؛ طوسی، بی تا، ۳۵۱) نظر امام رضا علیه السلام را درباره حدیثی که توده مردم منتسب به پیامبر صلی الله علیه و آله نموده اند؛ جو یا می شود که آیا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَنْزِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا» امام رضا علیه السلام در پاسخ می فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْمُحَرِّفِينَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» «لعنت خدا بر کسانی باد که حقایق را (با حذف ها و تغییرهای نابجا) از جایگاه های اصلی و معانی حقیقی اش تغییر می دهند». آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند؛ این بوده «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَنْزِلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثُّلُثِ الْأَخِيرِ وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ ...» «خداوند در ثلث فرجامین هر شب و آغاز شامگاه جمعه، فرشته ای را به سوی آسمان دنیا گسیل می دارد و به او فرمان می دهد؛ (که از طرف خداوند)، بانگ برداشته (و بگوید): آیا درخواست کننده ای هست؟ تا به او عطا کنم. آیا توبه کننده ای هست؟ که اجابتش نمایم. آیا کسی هست که طلب بخشایش کند؟ تا من او را بیامرزم...». سپس امام رضا علیه السلام در پایان کلامش فرمود: «حَدَّثَنِي بِذَلِكَ أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ» یعنی «آن حدیثی که پدرم از جدّم از پدرانشان از پیامبر صلی الله علیه و آله، برای من نقل کرده اند؛ این گونه بوده است». (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۴۱/۱۵؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۴۲۱/۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ۴۱۰/۲، حر عاملی، ۱۳۸۰، ۲۸)

بنابراین در معارف تورات نه تنها خداوند به آسمان دنیا فرود می آید بلکه برای بازدید از مصنوعات و ساخته های بشر حتی به خود زمین هم تشریف می آورد تا شخصا

سازه‌های بشر از شهر و برج را ملاحظه کرده و از آن‌ها بازدید به عمل آورد. (همان، سفر پیدایش، ص ۱۴، اصحاح ۱۱، آیه ۱-۶) ولی در معارف رضوی علیه السلام اگر کسی سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را درست منتقل نکند و عمدا (و حتی شاید سهوا در اثر بی‌مبالاتی)، نزولی را که پیامبر صلی الله علیه و آله به فرشته‌ای نسبت داده را به خداوند نسبت دهد مورد لعنت مستقیم ولی معصوم قرار می‌گیرد و بعد شخص معصوم با صراحت در برابر این شبهه ایستاده و بعد از برطرف کردن شبهه تلویحا اعلام می‌دارد که بنده که از خاندان عصمت و طهارت بوده و امروز مصداق اهل بیت در روایت ثقلین هستم و مطمئنا به آنچه جدم پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده، آگاه‌ترم؛ این چنین روایت را شنیده‌ام که گویا این سخن، ردّ ضمنی حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله به آن گونه‌ای است که توده مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله منتسب می‌کنند. از این رو که امام رضا علیه السلام بعد از بیان درست کلام پیامبر صلی الله علیه و آله، فرموده: «حَدَّثَنِي بِذَلِكَ أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله» یعنی آن حدیث شایع بین توده مردم از بنیاد جعلی نیست لیک در آن تحریفی صورت گرفته که معنا را بازگونه کرده است.

دو. انتقال الهی

انتقال، رفتن و آمدن زمانی معنا پیدا می‌کند که در بستری از مکان قرار بگیرد که بنابر تعلیمات تورات کنونی، خداوند آن را داراست. در این مقال به نمونه‌ای اشاره می‌شود. در اصحاح (سوره) سوم سفر پیدایش آورده‌اند «هنگامی که حضرت آدم علیه السلام و حواء از میوه ممنوعه معرفت خوردند؛ فهمیدند که عریان هستند؛ پس با برگ‌های انجیر به هم دوخته شده، سترها برای خویشان ساختند. در این هنگام آواز خداوند را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم، در باغ می‌خرامید [و می‌آمد]. آدم علیه السلام و زنش [به محض اینکه فهمیدند که خداوند در حال آمدن است] خویشان را از او، در میان درختان باغ پنهان کردند. خداوند، آدم علیه السلام را ندا داده، گفت: کجا هستی؟ آدم علیه السلام گفت: چون آواز تو را در باغ شنیدم، ترسان گشتم؛ زیرا که عریانم؛ پس خود را پنهان کردم. [خداوند] گفت: چه کسی تو را آگاهانید که عریانی؟ آیا از آن درختی که تو را قدغن کردم که از آن بخوری؛ خورده‌ای؟...». (همان، سفر پیدایش، ص ۳، اصحاح ۳، آیات ۸-۱۳)

بر اساس این فقرات، خداوند در این باغی که یکی از باغ‌های پر نعمت و روح‌افزای

یکی از مناطق کره زمین بوده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۸۶/۱) خرامان‌وش آمده است پس نسبت دادن انتقال به او، امری بسیار عادی و طبیعی است.

لیک در معارف اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه در معارف امام رضا علیه‌السلام خداوند از هر گونه انتقال (صدوق، ۱۳۹۸، ۱۶۲) اعم از حرکت و سکون، (همو، ۱۳۷۸، ۱۵۳/۱) رفت و آمد (همان، ۱۲۶/۱) و ترک کردن (همان، ۱۲۳/۱) بر کنار است؛ برای نمونه علی بن فضال از امام رضا علیه‌السلام درباره آیه **﴿جَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾** «پروردگارت و فرشتگان صف اندر صف آمدند» (فجر/۳۲) سوال می‌کند؛ امام رضا علیه‌السلام بنابر قاعده برگرداندن محکومات به متشابهات (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۸۴/۲۰) که خویشتن آن را عرض نموده (صدوق، ۱۳۷۸، ۲۹۰/۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۱۵/۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۸۵/۲) می‌فرماید: «حق تعالی متصف به آمدن و رفتن نمی‌شود؛ [از این رو که] منزلت او از نقل و جابه‌جایی بالاتر است؛ هر آینه مقصود از آیه شریفه، این است که **﴿جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾** یعنی «فرمان پروردگارت برسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند». (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۲۶/۱)

این سخن امام رضا علیه‌السلام شواهدی بسیار از قرآن دارد آیاتی که در آنها سخن از «آمدن امر الهی» است.^۱ از این رو می‌توان این سخن امام رضا علیه‌السلام را نوعی عملکرد خود ایشان در برگرداندن متشابهات به محکومات دانست.

به هر روی خداوند تورات، افزون بر اینکه به آدم دروغ گفته و درباره درخت با او خدعه نموده و نسبت به مکان او جاهل و نادان است؛ مانند جسمی است که در بهشت راه می‌رود. (خوبی، بی‌تا، ۵۳) خداوند تورات، زمانی با موسی علیه‌السلام همراه شده و به مصر رفته تا مبادا او بترسد (کتاب مقدس، بی‌تا، سفر پیدایش، ص ۷۳، اصحاح ۴۶، آیه ۴) و گاهی نیمه شب بیرون زده (همان، سفر خروج، ص ۹۹، اصحاح ۱۱، آیه ۴-۶) و هنگامه‌ای در شهر تردد نموده (همان، ص ۱۰۱، اصحاح ۱۲، آیه ۲۳) و زمانی این انتقال، در ابرهای تاریک صورت می‌گیرد. (همان، ص ۱۱۴، اصحاح ۱۹، آیه ۹) هر آینه او برای امتحان بنی اسرائیل (مانند آموزگاری) آمده (همان، ص ۱۱۵، اصحاح ۲۰، آیه ۲۰) و دستور می‌دهد که مقام (مقدسی)

۱. ر. ک: هود/۴۰ و ۵۸ و ۶۶ و ۷۶ و ۸۲ و ۹۴ و ۱۰۱؛ مومنون/۲۷؛ غافر/۷۸؛ حدید/۱۴.

برایش احداث کنند؛ تا در آن سرای، مسکن گزینند. (همان، ص ۱۲۲، اصحاح ۲۵، آیه ۸) در حالیکه در احادیث امام رضا علیه السلام و دیگر امامان، خداوند از این لوازم منزله، بالاتر و والاتر دانسته شده است.

سه. رویت الهی

مواردی در تورات کنونی، ظهور بر قابلیت دیده شدن خداوند دارد و بدیهی است که یکی از لوازم دیده شدن چیزی با چشم، مکان دار بودن آن شیء است. بایسته است که در اینجا به نمونه‌ای اشاره شود.^۱

در سفر پیدایش در اصحاح (سوره) سی و سوم سخن از بازگشت یعقوب علیه السلام به زادگاهش، به آنجا می‌رسد که باید با برادرش عیسو رویاروی شود؛ لیک او از واکنش برادرش، بسیار اندیشناک است؛ از این رو که او مدتی پیش، با نیرنگ، نبوت را از چنگال برادر درآورده! (همان، سفر پیدایش، ص ۴۰، اصحاح ۲۷، آیه ۳۶) و حال نمی‌داند برادر با او چگونه رفتار خواهد کرد. او برای دگرسانی خشم پیشین برادر به دوستی، تدابیر زیادی می‌اندیشد یکی از کارهای او، آن است که برای برادر پیشکش بفرستد تا پیش از ملاقات، دل برادر را نرم نماید؛ لیک عیسو در هنگام دیدار برادر به او می‌گوید: «مرا [مال] بسیار است. مال خود را نگه دار [بنابراین لازم نیست که آن را به من پیشکش کنی] یعقوب می‌گوید: نی [نه، این اموال را برای خود نگه نمی‌دارم] اگر در نظرت التفات یافته‌ام پیشکش مرا از دستم قبول فرما؛ زیرا روی تو را دیدم مثل دیدن روی خدا و [تو] مرا منظور داشتی» (همان، سفر پیدایش، ص ۵۱، اصحاح ۳۳، آیه ۱۰)

بر اساس این فقره تورات، حضرت یعقوب علیه السلام روی برادر را با چشمان ظاهری نظاره کرده است. افزون بر اینکه در این تشبیه، نکته‌ای لطیف پنهان است و آن این است که رخ الهی، در برابر دیدگان یعقوب علیه السلام، چنان شفاف مجسم گشته، که حضرت یعقوب علیه السلام، دیدن روی برادر را به دیدن روی خدا تشبیه می‌کند؛ زیرا دیدن روی خدا، «مشبه به» قرار گرفته است. بنابر فقرات فراوانی، خداوند تورات، قابلیت

۱. برای دیدن نمونه‌های بیشتر ر. ک: کتاب مقدس، بی تا: سفر پیدایش، ص ۵۱، اصحاح ۳۳، آیه ۱۰: سفر خروج، ص ۸۶، اصحاح ۳، آیه ۶؛ ص ۱۱۴، اصحاح ۱۹، آیه ۱۸-۲۳؛ ص ۱۲۱، اصحاح ۲۴، آیه ۱۰.

مشاهده با دیدگان سر را داراست. (ر. ک: کتاب مقدس، بی‌تا، سفر پیدایش، ص ۵۱، اصحاح ۳۳، آیه ۱۰؛ سفر خروج، ص ۸۶، اصحاح ۳، آیه ۶؛ ص ۱۱۴، اصحاح ۱۹، آیه ۱۸-۲۳؛ ص ۱۲۱، اصحاح ۲۴، آیه ۱۰)

این در حالی است که احادیث رسیده از امام رضا علیه السلام در عدم رؤیت الهی، بسیار بوده که عناوین پاره‌ای از آنها عبارتند از: دیده شدن خداوند با چشم بزرگترین بهتان و تهمت بر خداوند (عیاشی، ۱۳۸۰، ۳۷۳/۱؛ عطاردی، ۱۳۹۱، ۶۲۵/۱)، دیده نشدن خداوند دلیل ربوبیت او (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۳۰/۱)، دست‌نیافتنی بودن ذات خداوند برای عقل (چه برسد به چشم) (کلینی، ۱۴۰۷، ۹۹/۱)، جعلی بودن حدیث تقسیم رؤیت و کلام الهی (صدوق، ۱۳۹۸: ۹۸ و ۱۱۰-۱۱۲)، ارتباط توحید با عدم رؤیت الهی (همان، ۹۸) و غیره (ر. ک: حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۴۸/۲۸؛ صدوق، ۱۳۷۸، ۱۱۵/۱ و ۱۱۶ و ۱۵۱)

به عنوان نمونه در کتاب شریف کافی، در سندی صحیح (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۳۹/۱) ابی‌هاشم جعفری از امام رضا علیه السلام می‌پرسد: آیا رواست که خداوند را وصف نمود؟ ایشان فرمودند: آیا قرآن نمی‌خوانی؟ عرض کردم: آری (می‌خوانم) فرمود: آیا فرموده او را که می‌فرماید: چشم‌ها او را در نمی‌یابند، ولی او چشم‌ها را درمی‌یابد (انعام/۱۰۳): نخوانده‌ای؟! گفتم: آری (خوانده‌ام) فرمود: (آیا) ابصار را می‌شناسید؟ عرض کردم: آری (می‌دانم) فرمود: معنای ابصار چیست؟ عرض کردم: مراد، دیدگان سراسر است. فرمود: «إِنَّ أَوْهَامَ الْقُلُوبِ أَكْبَرُ مِنْ أَبْصَارِ الْعُيُونِ فَهُوَ لَا تَدْرِكُهُ الْأَوْهَامُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَوْهَامَ» (خیر؛ زیرا) خیال‌های دل، بزرگتر از دیدگان سراسر است پس گمان‌ها او را درک نمی‌کنند ولی او گمان‌ها را درمی‌یابد. (کلینی، ۱۴۰۷، ۹۹/۱)

ابی‌هاشم جعفری که یکی از راویان عظیم‌القدر نزد امامان بوده،^۱ ظاهراً در برخورد با آراء معتزله که قائل به تعطیل در صفات الهی شده‌اند این سوال برایش پیش می‌آید که آیا خداوند را می‌توان توصیف کرد؟ زیرا که طوایفی از معتزله بر این باور رفته‌اند که باید نفی نمود حقایق اسماء الهی و دلالتش بر معانی حقه را که به وضع لغت فهمیده

۱. نجاشی درباره او گوید: «داود بن القاسم بن إسحاق بن عبد الله بن جعفر بن أبی طالب، أبو هاشم الجعفری رحمه الله كان عظیم المنزلة عند الأئمة عليهم السلام، شریف‌القدر، ثقة، روی أبوه عن أبی عبد الله علیه السلام» (نجاشی، بی‌تا: ۱۵۶)

می‌شود؛ به این دلیل که این معانی به تشبیه و تجسیم کشیده می‌شود. (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۵، ۱۲۷/۲)

امام رضا علیه السلام در پاسخ به جواز توصیف الهی، به سخن خداوند که خویشتن را متصف به صفاتی نموده، استشهاد می‌کند و حضرت در ادامه گفتگو، خود سوال دوم را طرح می‌نماید که مراد از «ابصار» در آیه ﴿لَا تَدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ﴾ چیست؟ و چون ابی‌هاشم جعفری گوید که منظور دیدگان سر است. امام علیه السلام، سخن از اوهام قلوب را پیش می‌کشد که مراد از آن، ادراکات قلب است؛ مانند تخیلات که نمی‌توانند به ذات غیر متناهی خداوند احاطه پیدا کنند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۴۱/۱) وقتی که ادراکات قلب، توانایی احاطه بر پروردگار را ندارند چشم‌ها به طریق اولی، توانایی دیدن خداوند را ندارند و گویا چون بسیاری به‌ویژه سوال‌کننده که از بزرگان اصحاب امامیه است (مازندرانی، ۱۳۸۲، ۲۵۰/۳) به این مصداق اتم و اخفی، توجه نداشته‌اند؛ حضرت بدان توجه داده است.

به هر روی، این حدیث و احادیث بسیاری از امام رضا علیه السلام و دیگر معصومان علیهم السلام صراحت دارند بر اینکه خداوند قابلیت دیده شدن را ندارد.^۱ در حالیکه همان‌طور که گذشت در تورات به صراحت آمده است که خداوند توسط افراد دیده شده است.

چهار. احاطه الهی

خداوند تورات، خدایی است که مورد احاطه محیط قرار می‌گیرد و روشن است که از لوازم موجود مُحاط، مکان‌دار بودن است. در اینجا به یک نمونه اشاره می‌شود. بنابر تورات کنونی، در هنگامه‌ای که خداوند، موسی علیه السلام و قومش را از دریا گذراند و مصریان را گرفتار کرد؛ موسی علیه السلام و بنی‌اسرائیل برای سپاسگزاری از خداوند، اشعاری را سرودند. در بیت هفدهم این سروده آمده است «ایشان [بنی‌اسرائیل] را داخل ساخته، در جیل میراث خود غرس خواهی کرد؛ به مکانی که تو ای خداوند! مسکن خود ساخته‌ای» (کتاب مقدس، بی‌تا، سفر خروج، ص ۱۰۷، اصحاح ۱۵، آیه ۱۷)

۱. برای دیدن نمونه‌های بیشتر ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱-۱۰۰-۹۵؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۱۲۲-۱۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴/۶۱-۲۶.

بنابراین فقره و فقرات دیگری که در تورات کنونی آمده (ر. ک: همان، سفر پیدایش، ص ۲۳، اصحاح ۱۸، آیه ۲۶؛ سفر خروج، ص ۹۹، اصحاح ۱۱، آیه ۴؛ ص ۱۱۱، اصحاح ۱۷، آیه ۶؛ ص ۱۱۶، اصحاح ۲۰، آیه ۲۱؛ ص ۱۲۲، اصحاح ۲۵، آیه ۸ و ۹) خداوند، موجودی است که می‌تواند در چارچوب و محدوده‌ای قرار بگیرد و شیئی دیگر، گرداگرد او باشد.

لیک در کلمات گران‌سنگ معصومان علیهم‌السلام به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام این معنا به شدت نفی شده است؛ برای نمونه در حدیثی نقل شده، هنگامی که مأمون قصد داشت امام رضا علیه‌السلام را به ولایت عهدی خود منصوب کند بنی‌هاشم به او گفتند: می‌خواهی مرد نادانی را ولیّ عهد خود کنی؟! کسی را نزد او بفرست تا به اینجا بیاید تا نمونه‌هایی از جهالت او را به تو بنمایانیم. مأمون نیز حضرت را فراخواند آنان گفتند: ای ابالحسن! به منبر برو و ما را جوری راهنمایی کن تا خداوند را به گونه‌ای صحیح شناخته و بر آن پایه، عبادت نماییم. امام رضا علیه‌السلام به منبر رفته و سخنان گران‌سنگی در معرفت الهی بیان می‌کنند؛ در بخشی از این فرمایشات آمده است «... مَنْ قَالَ فِيْمَ فَقَدْ ضَمَّنَهُ وَ مَنْ قَالَ إِلَىٰ مَ فَقَدْ نَهَاَهُ... لَا يَتَغَيَّرُ اللَّهُ بِأَنْعِيَارِ الْمَخْلُوقِ كَمَا لَا يَتَحَدَّدُ بِتَحْدِيدِ الْمُحَدُّودِ» «هر کس بگوید: خداوند در چه چیزی قرار دارد؟ بی‌تردید او را در ضمن و خلال چیز دیگری قرار داده است و هر که بگوید: حدّش تا کجاست؟ برای او نهایت (در بُعد مکان) فرض نموده، و هر کس اظهار کند: تا چه زمانی خواهد بود؟ برای او فرجامی (در بُعد زمان) قرار داده است و هر کس چنین کند؛ بین او و سایر موجودات حدّ مشترك قرار داده و هر کس بین او و مخلوقاتش حدّ مشترك قرار دهد؛ برای او اجزاء و ابعاض پنداشته و هر کس او را دارای اجزاء تصوّر کند؛ او را وصف نموده و هر که او را وصف نماید، در موردش به خطا رفته و کارش به ارتداد و کفر می‌انجامد و حال آنکه خداوند با تغییر یافتن مخلوقان، تغییری نمی‌کند؛ همان‌گونه با حدود آنها محدود نمی‌شود. (صدوق، ۱۳۹۸، ۳۶؛ مفید، ۱۴۱۳، ۲۳ و ۲۵؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ۱۶۹/۵)

این گزاره استفهامی «من قال فيم فقد ضمّنه» کلامی است بسیار پر مغز؛ زیرا به این معناست که اگر کسی پرسد که آیا خداوند در چیزی قرار گرفته است؟ با این پیش فرض این سوال را می‌پرسد که خداوند موجودی است که این قابلیت را دارد که می‌تواند در خلال چیزی قرار بگیرد حال چه مانند موجودی که در موجود دیگر قرار

می‌گیرد یا مانند عرضی که به جوهری تکیه می‌کند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۷۶/۱) در حالیکه در تضمین قرار گرفتن موجودی توسط موجود دیگر، از نشانه‌های موجود محدود است که مورد احاطه قرار می‌گیرد. در حالیکه آیات قرآن دلالت دارد که خداوند بر همه چیز احاطه دارد^۱ و روشن است که موجودی که همه چیز در احاطه او قرار دارد چیزی نمی‌تواند او را احاطه کند؛ زیرا اگر فرض شود که در هستی چیزی می‌تواند خداوند را در احاطه خود قرار گیرد در این صورت این گزاره که «همه چیز در احاطه اوست» دیگر صادق نیست؛ زیرا نقیض موجب کلیه، سالبه جزئی است. بنابراین خداوند موجودی است که همه چیز در احاطه اوست؛ از این رو لازمه‌ی محاط بودن خداوند توسط آنچه در تورات کنونی آمده مانند دیوارهای خانه و امثال آن، مکان‌داری حضرت حق را ایجاب می‌کند که به طور کلی در روایت اهل بیت علیهم‌السلام نفی شده است. (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷، ۱۴۰/۱؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴، ۶۳؛ امام علی علیه‌السلام، ۱۴۱۴، ۴۰؛ صدوق، ۱۳۷۸، ۱۱۷/۱)

پنج. پیدایی خداوند

براساس آموزه‌های تورات کنونی، خداوند مانند موجود مجسمی است؛ که پیدا و ناپیدایش متفاوت و ناهمگون است و روشن است که لازمه پیدایی در یکجا و ناپیدایی از جایی دیگر، مسئله‌ای است که مرتبط به مکان‌داری یک موجود می‌شود. نمونه‌های فراوانی در تورات فعلی، صراحت در این معنا دارد؛ برای نمونه هنگامی که حضرت آدم علیه‌السلام و حواء از میوه ممنوعه معرفت خوردند، فهمیدند که عریان هستند؛ پس چون صدای خدا را شنیدند، رفتند و در میان درختان باغ خود را از خدا مخفی نمودند. خداوند در هنگامه ورود به باغ، از جای آدم علیه‌السلام و حواء خبر نداشت و به دنبال آنها گشته و بانگ می‌زند تا پیدایشان کرده و برایش مشهود شوند. (کتاب مقدس، بی‌تا، سفر پیدایش، ص ۳، اصحاح ۳، آیات ۸-۱۳)

آری خداوند تورات، بارها بر ابراهیم علیه‌السلام (همان، ص ۳۶، اصحاح ۲۶، آیه ۲؛ ص ۳۷، اصحاح ۲۶، آیه ۲۴)، اسحاق علیه‌السلام (همان، ص ۳۶، اصحاح ۲۶، آیه ۲؛ ص ۳۷، اصحاح ۲۶، آیه ۲۴)، یعقوب علیه‌السلام (همان، ص ۵۳، اصحاح ۳۵، آیه ۱؛ ص ۵۴، اصحاح ۳۵، آیه ۷ و ۹ و ۱۰؛ ص ۷۷، اصحاح ۴۸،

۱. ر. ک: نساء/ ۱۲۶ و فصلت/ ۵۴.

آیه ۳) و موسی علیه السلام (همان، سفر خروج، ص ۸۷، اصحاح ۴، آیه ۱ و ۲) ظاهر و پیدا گشته تا آنجا که با یعقوب علیه السلام کشتی گرفته (همان، سفر پیدایش، ص ۵۰، اصحاح ۳۲، آیه ۳۲-۲۳) و ابراهیم علیه السلام در حضور او ایستاده (همان، ص ۲۳، اصحاح ۱۸، آیه ۲۳؛ ص ۲۵، اصحاح ۱۹، آیه ۲۸) همان گونه که بر برخی مانند: اَبی مَلْک (همان، ص ۲۶، اصحاح ۲۰، آیه ۳) و لابان (همان، ص ۴۷، اصحاح ۳۱، آیه ۲۴) در خواب ظاهر و پیدا گشته است و جلالت او در ابر برای همه بنی اسرائیل به منصفه ظهور رسیده است. (همان، سفر خروج، ص ۱۰۹، اصحاح ۱۶، آیه ۱۱) از مواردی که در این زمینه رسیده، می توان به داستان برادرکشی قایل اشاره کرد؛ با این عبارات که: «قائن [قایل] بر برادر خود هابیل برخاسته، او را کشت. پس خداوند به قائن گفت: برادرت هابیل کجاست؟ گفت: نمی دانم؛ مگر [من] پاسبان برادرم هستم؟! گفت: چه کرده ای؟! خون برادرت از زمین، نزد من فریاد برمی آورد!... هر گاه کار زمین کنی همانا قوت خود را دیگر به تو ندهد و پریشان و آواره در جهان خواهی بود. قائن به خداوند گفت: عقوبتم از تحملم زیاده است. اینک مرا بر روی زمین مطرود ساختی؛ از روی تو پنهان خواهم بود و پریشان و آواره در جهان خواهم بود... پس قائن از حضور خداوند بیرون رفت و در زمین نُود به طرف شرقی عَدَن ساکن شد». (همان، سفر پیدایش، ص ۵ و ۶، اصحاح ۴، آیه ۸-۱۷)^۱

لیک در معارف رضوی علیه السلام، امام رضا علیه السلام به همین مسئله تمسک جست، تا دامان الهی را از این لازمه باطل بسترده؛ از این رو هنگامی که ابوقرة محدث که تحت تاثیر آموزه های اهل سنت قرار گرفته (کاظمی، ۱۴۲۵، ۱۵۳/۲) از ایشان می پرسد که «خداوند در کجا قرار دارد؟» ایشان می فرماید: «الْأَيْنُ مَكَانٌ وَ هَذِهِ مَسْأَلَةٌ شَاهِدٍ مِنْ غَائِبٍ فَاللَّهُ تَعَالَى لَيْسَ بِغَائِبٍ...». «کلمه استفهام «کجا»، برای پرسش از مکان است و این، مسئله ای است که مرتبط می شود به موجودی که پیدا و ناپیدایش با هم متفاوت باشد؛

۱. برای دیدن نمونه های بیشتر ر. ک: کتاب مقدس، بی تا: سفر پیدایش، ص ۶، اصحاح ۵، آیه ۲ و ۱؛ ص ۱۳، اصحاح ۱۰، آیه ۹ و ۱۰؛ ص ۲۱، اصحاح ۱۷، آیه ۱۸ و ۱۹؛ ص ۱۱، اصحاح ۶، آیه ۲۱؛ ص ۲۵، اصحاح ۱۹، آیه ۲۴؛ سفر خروج، ص ۱۱۰، اصحاح ۱۷، آیه ۳۲؛ ص ۱۱۲، اصحاح ۱۸، آیه ۱۲ و ۱۳؛ ص ۱۱۶، اصحاح ۲۱، آیه ۶؛ ص ۱۲۳، اصحاح ۲۵، آیه ۳۰ و ۳۱؛ سفر لاویان، ص ۱۵۲، اصحاح ۱، آیه ۳ و ۴؛ ص ۱۵۴، اصحاح ۳، آیه ۲ و غیره.

لیک خداوند ناپیدا نبوده تا کسی بر او بازآید خداوند در همه جا حضور دارد)). (طبرسی، ۱۴۰۳، ۴۰۷/۲)

آری لازمه موجود مکان‌دار، آن است که شهودش با غیبتش متفاوت باشد. لذا این چنین موجودی، هنگامی که از جایی به جایی دیگر منتقل می‌شود؛ مکان اول از او تهی گشته و مکان دوم او را در برمی‌گیرد. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۲۶/۱؛ صدوق، ۱۳۹۸، ۲۵۴) بنابراین مکان اول و هر آنچه در آن است؛ از او مخفی می‌شود و مکان دوم و آنچه در آن است؛ بعد از ورود به آنجا، بر او آشکار می‌گردد. در حالیکه ساحت کبریائی خداوند در قدرت و احاطه نامتناهی بوده و بر همه مکان‌ها احاطه شهودی دارد و همه مکان‌ها نسبت به او یکسان هستند. (حسینی همدانی نجفی، ۱۳۶۳، ۱۹۳/۳)

بر اساس این حدیث و احادیث فراوان دیگر، هیچ مکانی از خداوند خالی نیست (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۳، ۱۰؛ همو، ۱۳۷۸، ۱۲۱/۱ و ۱۵۱؛ کفعمی، ۱۴۱۸، ۹۲؛ ابن‌طاووس، ۱۴۰۹، ۲۱۱/۱)؛ تا مسئله پیدایی و ناپیدایی خداوند مطرح گشته و لازمه باطل مکان‌دار بودن خداوند طرح شود.

نتیجه‌گیری

از فرآیند بررسی تطبیقی سیمای الهی در نگره تورات و احادیث توحیدی امام‌رضا (ع)، این نتایج به ثمر می‌نشیند:

۱. تعالیم تورات و احادیث توحیدی رضوی (ع)، در دایره نفی تشبیه و فرامکانی یا مکانمندی خداوند، از جامعه آماری بالایی برخوردار است؛ برای نمونه بیش از صد مورد در تورات و حدود چهل حدیث از امام‌رضا (ع) در این زمینه وجود دارد.
۲. تعالیم تورات در تشبیه خداوند به مخلوقات که منجر به مکان‌داری خدا می‌شود با معارف توحیدی امام‌رضا (ع)، کاملاً متفاوت است؛ زیرا تورات کنونی، خدایی انسان‌وار را مجسم می‌کند که دست، پا، صورت، کمر، فراز، فرود و غیره دارد؛ درحالی‌که در معارف رضوی (ع)، خداوند از این موارد و از اصل شباهت به چیزی، مبری بوده و ادله بسیار قوی بر منزه بودن خداوند در این راستا وارد شده است.
۳. تفسیر این دو نگرش (بر عکس آنچه انسان در نگاه آغازین انتظار دارد) در

فرامگانی یا مکان‌دار بودن خداوند، ناهمگون است؛ زیرا احادیث توحیدی امام‌رضا علیه السلام، خداوند را موجودی فرامگانی معرفی می‌کند؛ درحالی‌که آموزه‌های تورات کنونی تا آنجا پیش می‌رود که برای خدا، سرایی تصور کرده، که گاهی برای اموری از آنجا خارج می‌شود.

۴. گزاره‌های این دو، در آنچه که لازمه‌شان مکان‌داری خداوند است، اعم از نزول، انتقال، قابلیت دیده شدن و غیره ناهمگون بوده، به این شکل که تورات کنونی، لازمه مکان‌داری خداوند را با پذیرش نزول، انتقال و غیره در خداوند پذیرفته است. در حالی‌که در احادیث رضوی علیه السلام، پذیرنده یا ایجاد کننده این ملزومات (انتقال، نزول و غیره) در مورد خداوند، مورد ملامت‌ها، شماتت‌ها و حتی لعن و نفرین قرار گرفته و چنین عباراتی نثار او گشته است: «لعن الله المحرفین...»، «قاتلهم الله...»، «من وصف الله بخلاف ما وصف به نفسه فقد أعظم الفرية علی الله...» و غیره.

۵. از واکاوی تعالیم در پیش‌روی این جستار از تورات کنونی، می‌توان ادعا کرد که این تورات در دسترس یهودیان، نمی‌تواند شکل و محتوای کامل آن کلام گرانسنگی باشد که به تعبیر قرآن کریم به موسی ایتاء شده است (آل عمران/۸۴) به این معنا که خود قرآن تصدیق می‌کند که مقداری از تورات اصلی در تورات فعلی وجود دارد؛ لیک مقداری هم از مطالب تحریفی در آن موجود است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۴۲/۵) که می‌توان گزاره‌هایی فراز آمده درباره سیمای الهی در بُعد مکان در تورات کنونی را، جزء دسته دوم برشمرد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. امام علی علیه السلام، نهج البلاغة، تصحيح صحيحى صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن أبى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن أبى الحديد، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن تيمية، أحمد، الجواب الصحيح لمن بدل دين المسيح، الطبعة الثانية، دار العاصمة، السعودية، ۱۴۱۹ق.
۵. ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحف العقول، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد، مشابه القرآن و مختلفه، قم، دار بيدار للنشر، ۱۳۶۹ق.
۷. ابن طاووس، على بن موسى، اقبال الاعمال، چاپ دوم، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۹ق.
۸. ابن قيم جوزيه، شرح القصيدة النونية، تحقيق محمد خليل هراس، چاپ دوم، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
۹. ابن كنير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، تحقيق محمد حسين شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون، ۱۴۱۹ق.
۱۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بيروت، دار المعرفة، بی تا.
۱۱. اشرفی، طیب، راز عالم آل محمد بودن امام رضا علیه السلام: «در گفتگوی زائر با آیت الله قائم مقامی تحلیل و بررسی شد»، ماهنامه زائر، شماره ۲۵۳، تیر ۱۳۹۶.
۱۲. امین، احسان، التفسیر بالمأثور و تطویرہ عند الشیعة، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۱ق.
۱۳. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تصحیح قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة البعثة، قم، مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ش.
۱۴. حر عاملی، محمد، الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیة، ترجمه زین الدین کاظمی خلخالی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دهقان، ۱۳۸۰ش.
۱۵. _____، وسائل الشیعة، تصحیح مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۶. حسینی همدانی نجفی، محمد، درخشان پرتوی از اصول کافی، قم، چاپخانه علمیه قم، ۱۳۶۳ش.
۱۷. خوئی، ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، قم، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
۱۸. _____، قم، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ق.
۱۹. رضاپور، محمد مهدی و گندمی نصرآبادی، رضا، «شکل گیری کلام یهود در سایه کلام اسلامی»، اندیشه نوین دینی، شماره ۴۰، بهار ۱۳۹۴.
۲۰. رفاعی، عبد الجبار، معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت علیهم السلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۲۱. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، چاپ دوم، سوریه - دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۱ق.
۲۲. زیدان، جرجی، الامین و المامون، سوريا- حلب، دارالشرقی العربی، ۱۴۲۴ق.
۲۳. سایت نورمگز.

۲۴. سایت مگ ایران.
۲۵. سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم، مؤسسة النشر الإسلامی - مؤسسة الإمام الصادق، بی تا.
۲۶. _____، سلسله المسائل العقائدية، با تقریر حسن مکی عاملی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، بی تا.
۲۷. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، آشنایی با ادیان (۲)، قم، آیات عشق، ۱۳۸۲ ش.
۲۸. سیدان، جعفر، «تبيين و دفاع امام رضا علیه السلام از معارف الهی در تقابل با نهضت ترجمه و آراء متکلمان»، با تقریر محمد رضا نوروزی، سفینه، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۹۲.
۲۹. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الملل و النحل، تحقیق محمد بدران، چاپ سوم، قم، الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش.
۳۰. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. _____، الامالی، چاپ ششم، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۳۲. _____، التوحید، تصحیح هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ ق.
۳۳. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۳۴. _____، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۳۶. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۳۸. طوسی، محمد، رجال الطوسی، درایة النور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۳۹. عاملی، جعفر مرتضی، الحیاة السیاسیة للإمام الرضا علیه السلام، چاپ سوم، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، ۱۴۰۳ ق.
۴۰. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا علیه السلام، چاپ چهارم، تهران، عطارد، ۱۳۹۱ ش.
۴۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۴۲. فضل بن شاذان، الإيضاح، تحقیق سیدجلال الدین ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
۴۳. کاظمی، عبدالنبی، تکملة الرجال، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، ایران، انوار الهدی، ۱۴۲۵ ق.
۴۴. کتاب مقدس، بی تا، ترجمه بریتش و هورن بیبل سوسائیتی، بی جا، لندن، دارالسلطنة، ۱۹۲۵ م.
۴۵. کفعمی، ابراهیم، البلد الامین و الدرع الحصین، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۴۷. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی الأصول و الروضة، تحقیق ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الإسلامیة، ۱۳۸۲ ق.
۴۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۹. _____، مرآة العقول، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
۵۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ هشتم، قم، صدرا، ۱۳۷۲ ش.
۵۱. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۲۴ ق.

۵۲. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۳. —، الامالی، تصحیح حسین ولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۴. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، چاپ سوم، قم، حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، نمونه، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۵۶. موسوی بجنوردی، سیدمحمد کاظم، جلد ۱۶ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۵۷. مهرجردی، نسیرین علم و شاکر، محمدکاظم، «رابطه خدا با انسان؛ تمثیل، تجسد یا تجلی؟»، انسان پژوهی دینی، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۵۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، درایة النور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بی تا.
59. [www. irankelisa. com](http://www.irankelisa.com)
60. www. lib. ir
61. www. maaref. porsemani. ir
62. www. samanpl. ir